

بررسی تطبیقی نقش معماران خارجی در تحولات معماری معاصر ایران و ترکیه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش. (۱۹۲۰ تا ۱۹۷۹ م.)

ناصر حسن‌پور* حسین سلطانزاده** کاوه بذرافکن***

چکیده

در سال‌های نخستین قرن بیستم، رهبران سیاسی ترکیه و ایران که متوجه عقب‌ماندگی کشور خود شده بودند، چاره کار را در نوسازی سریع به شیوه غربی جست‌وجو می‌کردند. با توجه به ناآشنایی معماران داخلی با شیوه‌های نو، حضور معماران خارجی در عرصه آموزش متخصصان داخلی و طراحی و اجرای طرح‌های عمرانی، سبب تحولات عمده‌ای در معماری معاصر ایران و ترکیه شد. حضور این معماران در دوران پهلوی، هم‌زمان با دوره جمهوری اول تا کودتای نظامی ۱۹۸۰ میلادی در ترکیه، سبب شد، معماری دوره معاصر از پیشینه تاریخی در این کشورها فاصله بگیرد.

این پژوهش به دنبال آن است که با مطالعه تطبیقی نقش معماران خارجی در تحولات معماری ایران و ترکیه، چگونگی تأثیر متقابل این معماران در معماری معاصر این دو کشور را بررسی کند؛ بنابراین، تحقیق حاضر، نقش این معماران را در تحولات معماری معاصر در ایران و ترکیه شناسایی می‌کند. در این پژوهش در مرحله اول از روش تفسیری تاریخی استفاده شده است و گردآوری اطلاعات مربوط به معماری معاصر ایران و ترکیه به شیوه مطالعات اسنادی انجام شده است و در مرحله دوم، مطالعه تطبیقی میان معماری معاصر دو کشور صورت گرفته است. نتایج پژوهش، نقش معماران خارجی در تحولات معماری معاصر ایران و ترکیه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش. (۱۹۲۰ تا ۱۹۷۹ م.) را به دو دوره کلی تقسیم می‌کند و نشان می‌دهد که در دوره نخست، این معماران در بنیان‌گذاری شیوه جدید آموزش معماری و نیز معماری و ساختمان‌سازی در هر دو کشور نقش داشته‌اند و در دوره دوم، نقش معماران خارجی در حوزه آموزش معماری و فعالیت‌های حرفه‌ای در ترکیه، نسبت به ایران محدودتر است. همچنین معماران خارجی از معماری بومی و سنتی در هر دو کشور تأثیر پذیرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مطالعه تطبیقی، معماران خارجی، تحولات معماری معاصر، ایران، ترکیه.

n.hassanpur@khuisf.ac.ir

*استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).

**دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

***استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

مقدمه

در میان کشورهای اسلامی و در منطقه خاورمیانه، در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم، وضعیت ایران و ترکیه بیش از هر دو کشور دیگری به یکدیگر شباهت داشت. هر دو کشور دارای پیشینه غنی فرهنگی و اجتماعی‌اند و در دوره‌هایی قدرت جهانی بوده‌اند. روند افول و شکست‌های پیاپی این دو کشور در مواجهه با غرب در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به برآمدن مردان منظم در رأس حکومت سیاسی (آتاتورک در ترکیه و رضاشاه در ایران) منجر گردید که چاره رفع عقب‌ماندگی را در نوسازی سریع جامعه خود جست‌وجوی می‌کردند. «رضاشاه بعد رسیدن به قدرت مطلقه، از سال ۱۳۰۴ ه.ش. (۱۹۲۵ م.) در جهت تشکیل یک دولت مرکزی قوی از همان آغاز بر ضرورت نوسازی و اصلاحات مالی، اداری، اقتصادی، نظامی، آموزشی، پیشرفت تجارت از طریق احداث جاده‌ها و راه‌آهن تأکید کرد» (علم و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۹). اجرای این اصلاحات گسترده، بدون حضور متخصصان در سامان‌دهی عرصه‌های نوظهور اداری، مالی، اقتصادی و زیرساختی امکان‌پذیر نبود. این در حالی بود که به‌علت تحول نداشتن نظام آموزشی سنتی حاکم و ناتوانی کشور در تربیت متخصصان آشنا به نیازهای جدید، به حضور متخصصان و مستشاران غربی در دو حوزه اجرای پروژه‌های تخصصی و تربیت متخصصان داخلی، نیاز جدی بود.

همتای ترک رضاشاه، روندی مشابه در ایران را با تقدمی چندساله در ترکیه آغاز کرد. روند نوسازی رادیکال ترکیه در تحول نظام ساختاری و اداری نیز به متخصصان خارجی وابسته بود. «زمانی که جمهوری، احساس فقدان جدی متخصصین فنی کرد، دعوت از متخصصین خارجی به کشور از همان آغاز رواج یافت؛ و نه تنها برای کارهای مربوط به ساخت‌وساز، بلکه در هر زمینه‌ای ممکن شد» (Imam oglu, 2010: 41). با توجه به آنکه صاحب‌نظران عرصه معماری و شهرسازی همواره از تأثیرات بین‌المللی به‌عنوان یکی از عوامل مهم دگرگونی معماری و شهرسازی معاصر یاد کرده‌اند؛ بررسی نقش معماران خارجی در دوره معاصر از آن رو ضروری به نظر می‌رسد که تأثیرات این معماران، بخش مهمی از عوامل بیرونی تأثیرگذار در بستر معماری و چه‌بسا فرهنگ و هنر دوره معاصر است که بدون توجه و تمیزدادن این عوامل از عوامل متعدد داخلی، درک صحیحی از هنر و معماری و شهرسازی معاصر امکان‌پذیر نخواهد بود. از سوی دیگر، چنان‌که تکلی معتقد است، دستیابی به درک صحیحی از جایگاه معماری معاصر هر سرزمینی در عرصه جهانی، بدون شناخت تحولات

معاصر در معماری سرزمین‌های دارای اشتراک‌های فرهنگی، دینی، منطقه‌ای و سیاسی با آن سرزمین امکان‌پذیر نخواهد بود (Tekeli, 2005: 31). این در حالی است که در مطالعه روند معماری معاصر ایران، به‌جای تطبیق با معماری کشورهای هم‌جوار و دارای اشتراک، همواره به مقایسه با کشورهای غربی پرداخته شده است. در خصوص ترکیه، این پژوهش اطلاع جامعی در دسترس ندارد.

بنابراین، این پژوهش به‌دنبال آن است که با مطالعه تطبیقی نقش معماران خارجی در تحولات معاصر معماری ایران و ترکیه، به درک صحیح‌تری از چگونگی تأثیرپذیری معماری معاصر این دو کشور از جریان‌های بین‌المللی دست یابد؛ از این‌رو، تحقیق حاضر، نقش معماران خارجی در گسترش جریان‌های بین‌المللی در آموزش و حرفه معماری دوره معاصر در این دو کشور و نیز چگونگی تأثیرپذیری این معماران از معماری سنتی و بومی این دو سرزمین را بررسی کرده است و برای پاسخ به پرسش‌هایی در این زمینه، نقش معماران خارجی در آموزش متخصصان داخلی، از فعالیت‌های حرفه‌ای تفکیک شده است. بنابراین، معیارهای تطبیق میان نقش معماران خارجی در معماری معاصر دو کشور عبارت‌اند از: میزان و نحوه حضور این معماران؛ حضور در پروژه‌های دولتی یا خصوصی؛ ایفای نقش در آموزش معماری و فعالیت‌های حرفه‌ای؛ ترویج و تبلیغ گرایش‌های بین‌المللی یا تأثیرپذیری از معماری بومی و سنتی.

پیشینه تحقیق

مطالعات انجام‌شده در حیطه مطالعه تطبیقی نقش معماران خارجی در معماری معاصر ایران و ترکیه به سه دسته تقسیم‌پذیر است:

۱- از جمله منابعی که نقش معماران خارجی را در ترکیه بیان می‌کند، می‌توان به پایان‌نامه دکتری بیلگه امام اوغلو^۱ (۲۰۱۰ م.) اشاره کرد که وی آن را در دانشگاه دلف^۲ و با عنوان «تولید معماری در دفاتر حکومتی، مقدمه‌ای بر تخصصی سازی معماری در اوایل جمهوری در ترکیه» ارائه کرد. بخش عمده‌ای از این اثر به معرفی پروژه‌های معماران خارجی در ترکیه در دوره جمهوری اول می‌پردازد. همچنین، کتب تألیفی خانم سیبل بوزدوقان^۳ که کامل‌ترین و آخرین آنها (۲۰۱۲ م.) کتاب ترکیه؛ معماری مدرن در تاریخ است، تحولات معماری معاصر ترکیه را در قرن بیستم در بستر اجتماعی و سیاسی تحلیل کرده است و بخش‌هایی از آن، ضمن تحلیل آثار شاخص معماری به تحلیل نقش معماران خارجی در شکل‌گیری جریان‌های معاصر در معماری ترکیه می‌پردازد.

۲- از جمله مطالعات ارزشمند در حیطه نقش معماران خارجی در معماری معاصر ایران، می‌توان به شماره ویژه مجله پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴ ه.ش.) اشاره کرد. در این شماره، مقالات متعدد به تاریخچه حضور معماران خارجی در ایران و معرفی پروژه‌های آنها می‌پردازد. مقالات یادشده جنبه تحلیلی ندارد و صرفاً به معرفی و ارائه اسناد تاریخی می‌پردازد. همچنین، کیانی (۱۳۸۳ ه.ش.) در کتاب معماری دوره پهلوی اول به دسته‌بندی و معرفی عوامل گسست و تحول معماری در این دوران پرداخته است.

۳- از جمله مقالاتی که به مطالعه تطبیقی میان ایران و ترکیه در دوره معاصر پرداخته است، می‌توان به مقاله علمی پژوهشی آزاد ارمکی و دلگشایی (۱۳۹۰ ه.ش.) با عنوان «مسئله مدرنیزاسیون در ایران؛ مقایسه تطبیقی تاریخی ایران و ترکیه در دوران حکومت رضاشاه و آتاتورک (۴۱-۱۹۲۱ م.)» اشاره کرد. آنها در این مقاله، زمینه‌های شکل‌گیری نوسازی را در دو کشور از زمان پیدایش نهادهای مدرن نام می‌برند. همچنین، عمویی (۱۳۹۱ ه.ش.) در مقاله «بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در ایران و ترکیه؛ مطالعه تطبیقی دوره رضاشاه و آتاتورک» به این نتیجه رسیده است که سیاست‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی در ترکیه نسبت به ایران شکل نهادینه‌تری پیدا کرده است.

مهم‌ترین مقاله در زمینه پژوهش حاضر، مقاله سهیلی و دیبا (۱۳۸۹ ه.ش.) با عنوان «تأثیر نظام‌های حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه در ایران و ترکیه» است که سه دوره مجزا و نظیر را در سیاست‌های حکومتی مؤثر در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه در ایران و ترکیه معرفی می‌کند. با توجه به مطالعاتی که به مطالعه تطبیقی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و معماری ایران و ترکیه در دوره معاصر می‌پردازد، تمرکز بر نقش معماران خارجی به‌عنوان بخش مهمی از عوامل بین‌المللی تأثیرگذار بر بستر معماری معاصر در ایران و ترکیه و نیز تفکیک این تأثیرگذاری در دو حوزه آموزش متخصصان داخلی و انجام فعالیت‌های حرفه‌ای، از جنبه‌های نوآورانه این پژوهش به‌شمار می‌رود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی است که در دو مرحله انجام پذیرفته است: در مرحله نخست با اتکا بر شیوه تفسیری تاریخی و به کمک شیوه مطالعه اسنادی، اطلاعات مربوط به نقش معماران خارجی در معماری معاصر ایران و ترکیه جمع‌آوری شده است. همچنین، مطالعه میدانی پروژه‌های معماران خارجی

در ترکیه و ایران با بازدید میدانی از پروژه‌ها در ایران، طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۳ ه.ش. و در ترکیه طی سفری بیست‌روزه در شهریور ۱۳۹۳ انجام شده است. دشواری کسب مجوزهای لازم جهت بازدید از بناهای دولتی، تخریب و تغییرات عمده در برخی بناها از مشکلات عمده در این مرحله در هر دو کشور بوده است. در مرحله دوم بر اساس طبقه‌بندی‌های حاصل از مرحله نخست، مطالعه تطبیقی میان نقش معماران خارجی در تحولات معماری معاصر در ایران و ترکیه انجام شده است که به تفکیک دو حوزه آموزش معماری و فعالیت‌های حرفه‌ای بوده است. این مطالعه، طی دو دوره حدوداً سی‌ساله، شامل سال‌های ۳۲-۱۳۰۰ ه.ش. در ایران و ۵۰-۱۹۲۰ م. در ترکیه و سال‌های ۵۷-۱۳۳۲ ه.ش. در ایران و ۷۹-۱۹۵۰ م. در ترکیه انجام پذیرفته است.

بررسی حضور معماران خارجی در تحولات معماری ترکیه

این حضور و تحولات در دو حوزه آموزش عالی معماری و فعالیت‌های حرفه‌ای بررسی می‌شود.

حضور معماران خارجی در تحولات آموزش عالی معماری در ترکیه

تحولات عمده آموزش معماری در سال‌های نخستین جمهوری ترکیه در حالی روی می‌داد که نخستین تلاش‌ها برای برپایی نظام آموزشی مدرن در ترکیه به سال‌های پایانی امپراتوری عثمانی و جریان اصلاح‌طلبانه مشهور به «تنظیمات» بازمی‌گشت و بخشی از این تلاش‌ها تأسیس مدرسه دارالفنون استانبول بود. در حوزه آموزش معماری، تأسیس نخستین مدارس تخصصی معماری تأثیر گسترده‌ای بر تحولات معماری سال‌های اول جمهوری داشت و با نخستین حضور معماران خارجی در ترکیه همراه بود. توجه به تحول اساسی در نظام آموزشی مدارس معماری در این دوران و تحول نظام سنتی به شیوه جدید مدیریت معماران خارجی، بدون اشاره به تاریخ این مدارس و یادآوری آن امکان‌پذیر نیست. «مدرسه سلطنتی مهندسی نظامی^۴ بر اساس مدل آموزش فرانسوی در سال ۱۷۹۵ م. در استانبول افتتاح شد که شامل معماری نظامی نیز می‌شد. این مدرسه تنها آموزش معماری فرمال خارج از سیستم سنتی اداره سلطنتی معماران را تا زمان قبل از سال‌های دهه ۱۸۸۰ م. فراهم می‌کرد. در سال ۱۸۸۲ م.، مدرسه سلطنتی هنرهای زیبا^۵ با دپارتمان معماری بر اساس مدل (Ecole des Beaux Arts) افتتاح شد. یک سال بعد، افتتاح مدرسه مهندسی غیرنظامی با نام مدرسه خدمات

مهندسی^۶ در ادامه این روند ادامه یافت. تأکید بر مدرسه خدمات مهندسی در سال ۱۹۰۹ م، زمانی که مدرسه تحت نفوذ وزارت کارهای عمومی قرار گرفت، تقویت شد. در حقیقت، مدرسه از ابتدا طراحی شد تا مهندسان را برای اشتغال در این وزارتخانه آموزش دهد. فارغ‌التحصیلان مدرسه مهندسی، آزاد بودند تا مسیر معماری را برای کارشان انتخاب کنند» (Imam oglu, 2010: 53). در سال‌های پس از آن، آکادمی هنرهای زیبا برنامه‌ای آموزشی، مختص معماری و مستقل از مهندسی ارائه داد؛ درحالی‌که مدرسه خدمات مهندسی دوره‌ای را برای آموزش معماری عرضه می‌کرد که هنوز از مهندسی تفکیک نشده بود. ولوری^۷ در آکادمی هنرهای زیبا و جکومند^۸ در مدرسه خدمات مهندسی تدریس می‌کردند (سهیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲).

کمال‌الدین بیک^۹ و ودات بیک^{۱۰} که در جریان سال‌های گذار در نخستین سال‌های جمهوری، از بنیان‌گذاران اولین جنبش ملی معماری به‌شمار می‌رفتند، شاگردان این مدارس بودند که پس از تحصیل، چند سالی را به‌ترتیب در آلمان و فرانسه به ادامه تحصیل و کار مشغول شده و پس از آن به ترکیه بازگشته بودند. در کنار این معماران، دیگر مدرسان آکادمی هنرهای زیبا، از جمله گولیو مونگری^{۱۱}، معمار ایتالیایی که از زمان قبل از جنگ جهانی اول در ترکیه مشغول به کار بود، هم‌زمان با تعیین آنکارا به‌عنوان پایتخت نوظهور، نقش عمده‌ای در تحولات معماری ایفا می‌کردند (Yavuz & Ozkan, 2005: 58). درحالی‌که نقش معماران خارجی در سال‌های اول به آموزش معماری محدود بود؛ معدودی از معماران خارجی، چون گولیو مونگری در ساخت آثار فاخر معماری فرصت یافتند. (تصویر ۱) در دوره پس از آن بود که معماران خارجی، چون ارنست اگلی^{۱۲}، کلمنس هولز میسر^{۱۳}، برونو تائوت^{۱۴} و دیگران، رهبری و مدیریت آموزش معماری و طراحی پروژه‌های دولتی را برعهده گرفتند.

برنامه‌نوسازی نظام آموزشی در ترکیه را که آتاتورک پیگیری کرد، برنامه همه‌جانبه‌ای بود که از مقاطع آموزش ابتدایی تا آموزش عالی را شامل می‌شد. جهت توسعه و تحول آموزش در ترکیه، آتاتورک از جان دوی^{۱۵}، معلم و نظریه‌پرداز آموزش در عرصه بین‌المللی بهره برد. «آتاتورک از دوی دعوت نمود تا از مشاوره وی برای فراهم‌آوردن ایده‌هایی برای اصلاحات و توصیه‌هایی که سیستم آموزش عالی ترکیه از آن بهره‌بردار، استفاده کند و نظام آموزش ترکیه را به سوی سازوکار آموزشی مدرن پیش ببرد» (Tarman, 2011: 54). نتیجه این مشاوره، دو گزارش مفصل بود که روش‌هایی برای گذار نظام آموزشی ترکیه از سیستم سنتی به سیستم مدرن ارائه می‌نمود.

جریان معماری التقاط‌گرای رجوع‌کننده به معماری عثمانی، مدنظر انقلابیان جمهوری خواه نبود؛ بنابراین «دانشگاه استانبول جایگزین مدرسه قدیمی دارالفنون گردید و جایگاه آموزش دانشگاه ارتقا یافت. در آکادمی هنرهای زیبا (که در سال ۱۹۲۷ م. جایگزین مدرسه سلطنتی هنرهای زیبا شد)، ارنست اگلی به ریاست دپارتمان معماری رسید و معماری کارکردگرای مدرن را به دانشجویان معرفی کرد» (Pamir, 1983: 137). وی که هم‌زمان سرپرست دفتر طراحی در وزارت آموزش ترکیه بود به مدیریت و طراحی فضاهای آموزشی دانشگاهی در ترکیه پرداخت. طراحی مجموعه‌های آموزشی برای دختران بر اساس الگوی پیشنهادشده جان دوی در سراسر ترکیه، از جمله انستیتوی دختران در آنکارا (تصویر ۲) منجر شد فضاهای آموزشی بر اساس الگوی مدرن تحول یابد (Bozdogan et al, 2012: 62). «وی ضمن علاقه وافری که به معماری مدرنیسم پیشرو در ترکیه داشت با مطالعه معماری بومی ترکیه و حمایت از گرایش‌های زمینه‌گرا^{۱۶} و منطقه‌گرا^{۱۷} در معماری معاصر ترکیه مؤثر واقع شد» (Bozdogan et al., 2001: 255).

جانشین اگلی در دانشکده هنرهای زیبا و مدیریت دفتر معماری وزارت آموزش در آنکارا برونو تائوت بود. «رهبر جریان اکسپرسیونیسم در سال‌های دهه ۱۹۱۰ م. و برنامه خانه‌سازی اجتماعی بین سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۳ م.، آلمان را در سال ۱۹۳۳ م. ترک کرد و پس از آنکه سه سال را در



تصویر ۱. کلیسای سنت آنتوان اثر گولیو مونگری (نگارنگان، ۱۳۹۳)

حضور معماران خارجی در تحولات حرفه‌ای معماری در ترکیه

با سرنگونی امپراتوری عثمانی «پس از جنگ استقلال (۲۲-۱۹۲۰م.) و اعلام جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳م. آغاز دهه دوم قرن بیستم میلادی در این کشور به‌طور طبیعی به ترمیم خرابی‌ها و تثبیت وضعیت سیاسی کشور، پس از جنگ جهانی اول گذشت. اصلاحات در این کشور، درصدد بود دولتی ملی روی ویرانه‌های امپراتوری عثمانی ایجاد کند. در حوزه معماری و شهرسازی اولویت‌های کارکردی به شرح زیر معرفی شده است:

۱. ساخت ساختمان‌های خدماتی همراه با سرمایه‌گذاری مهندسی، مثل ملی‌سازی ساختمان‌های نیمه‌تمام و بهبود شبکه حمل‌ونقل.
۲. ترمیم شهرهای آناتولیایی تخریب‌شده در جنگ و ساخت بناهای خدماتی در مقیاس کوچک.
۳. ساخت آنکارا به‌عنوان شهر پایتختی جدید» (سهیلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵).

مسئله ساخت آنکارا و تعداد زیادی ساختمان‌های خدماتی در ترکیه، معماری ترکیه را در سال‌های آغازین جمهوری به سبک التقاطی سوق داد که بعدها به معماری نئو عثمانی (نئو کلاسیک عثمانی) یا نخستین جنبش ملی معماری شهرت یافت (همان، ۱۳۸۹: ۳۵). نیاز به متخصصان خارجی در این دوره در طراحی بناهای عمومی با حضور اندک مدرسان خارجی مدارس معماری، از جمله ولوری و جکوموند و حضور چشمگیرتر مونگری همراه بود و بیشتر بناهای این دوره را فارغ‌التحصیلان و مدرسان مدارس معماری ترکیه، از جمله ودات بیک، کمال‌الدین بیک، عاریف حکمت^{۲۲}، احمت کمال^{۲۳} و فاتح اولکو^{۲۴} و دیگران طراحی می‌کردند (Holod et al., 2005: 18).

در سال‌های پایانی دهه بیست، مهم‌ترین پروژه‌ای که در ترکیه به خارجیان واگذار شد، طرح جامع آنکارا بود. برنده این



تصویر ۲. انستیتوی دختران عصمت اینونو (Batur, 2005: 83)

ژاین گذراند در سال ۱۹۳۶م. به ترکیه رسید و مدرسه‌هایی در آنکارا و ازمیر و ترازن ساخت و بیش از بیست بنا طراحی کرد که اکثر آنها تا زمان مرگ زودرسش در سال ۱۹۳۸م. ساخته‌نشده باقی ماند» (Bozdogan et al., 2012: 63). تائوت، پیشرو نظریه منطقه‌گرایی چه در حوزه آموزش و چه در حوزه حرفه‌ای به‌شمار می‌رفت و پس از اگلی و در کنار سادات الدم^{۱۸} به تحسین از معماری بومی آناتولی پرداخت. «تائوت باور داشت خانه‌های سنتی ترکی به‌دلیل خردگرایانه‌بودنش شامل بسیاری عناصر است که همواره مدرن باقی می‌ماند (Bozdogan, 2001: 269)

پس از مرگ تائوت، سادات الدم، دستیار قبلی تائوت و اگلی و دانش‌آموخته آکادمی هنرهای زیبا که پس از فارغ‌التحصیلی چند سال را در فرانسه و انگلیس و آلمان گذرانده بود، به ریاست دانشکده هنرهای زیبا برگزیده شد. وی پس از ریاست بر دانشکده، مطالعه معماری «خانه‌های سنتی عثمانی» را به عرف رایج در آموزش معماری تبدیل کرد و به‌عنوان رهبر دومین جنبش معماری ملی در ترکیه مشهور شد. برگزاری اولین سمینار ملی معماری در آکادمی هنرهای زیبا (با همکاری ارنست اگلی) سرآغاز این جریان به‌شمار می‌رود (Ibid, 2001: 256).

با از میان رفتن وضعیت بحرانی پس از جنگ در دهه ۱۹۴۰م. در ترکیه و فراگیر شدن مدرنیسم به شیوه مدرنیسم شرکتی آمریکایی و مدرنیسم بین‌الملل در دهه ۱۹۵۰م. و پس از آن، آموزش معماری نیز دچار تحول شد. این دو دهه «همچنین شاهد یک سری از اصلاحات در برنامه تحصیلی مدارس موجود معماری و نیز ایجاد مدارس جدید بود. در میان مدارس قدیمی، دانشگاه فنی استانبول نخستین دانشگاه در بازنگری برنامه تحصیلی و جست‌وجوی مدل‌های جدید بود. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۵۰م. مدرسان مشهور خارجی، مانند برونو زوی^{۱۹} و رالف گاتبرد^{۲۰} در دانشکده معماری تدریس و سخنرانی می‌کردند. تأثیر سخنرانی‌های ضد سبک بین‌الملل به‌زودی خود را در پروژه‌های اوایل دهه ۱۹۶۰م. نشان داد. در همان زمان، رویکرد علمی‌تری از معماری در میان دانشکده‌های جدیدتر دانشگاه‌ها پسندیده بود. آنها از رویکردهای تجربی و پوزیتیویسمی^{۲۱} معماری در دانشگاه‌های آمریکایی و انگلیسی تأثیر می‌پذیرفتند. در نهایت، همان نسل، نیاز به معماری با آگاهی اجتماعی بیشتر را تبلیغ کردند» (Yucel, 2005: 122).

مسابقه محدود، از میان سه طرح ارایه شده، طرح پروفیسور هرمان جانسن^{۲۵} از دانشگاه فنی برلین بود. پس از آغاز اجرای طرح جانسن در سال ۱۹۳۳ م.، وی تا سال ۱۹۳۹ م. به‌عنوان مشاور ارشد انجمن توسعه شهری باقی ماند. طراحی پایتخت جدید برای سیاسیون جمهوری خواه، بسیار مهم بود. «از این نظر، آنکارا مهم است که یک پایتخت مدرن، شهروندان مدرن خلق می‌کند. اجتماعی کردن مردم باید تشدید شود و از این رو سرمایه‌گذاری در فضاهای عمومی هرگز غیرضروری و گران شمرده نمی‌شود» (Keskinok, 2010: 185). از دیدگاه جانسن، طرح وی بازگوکننده نظریه‌های باغشهر ابنزر هاوارد^{۲۶} بود. در حوزه معماری با توجه به آنکه بازنمایی معماری عثمانی و خصوصاً معماری مذهبی عثمانی، مطلوب حکومت جمهوری خواه نبود در سال‌های دهه ۱۹۳۰ م. تلاش‌ها در جهت برپاسازی دولت‌ملت جدید، به مدرن‌سازی وسیع با شعار «رسیدن به سطح تمدن معاصر» منجر شد. در این دوران، نقش معماران خارجی، از جمله کلمنس هولز میسر، معمار اتریشی، در شکل‌دهی به بناهای حکومتی و وزارتخانه‌ها بر اساس اصول معماری مکعبی و معماری مدرن بسیار درخور توجه است. «بناهای دولتی که هولز میسر در آنکارا طراحی کرد، ترکیب‌بندی فرم‌های ساده مکعبی در قالب یادمان‌گرایی و معماری نئو کلاسیک بود» (Imamoglu, 2010: 49). شخص شاخص دیگر در این دوران، ارنست اگلی بود که بناهای متعددی را به سفارش وزارت آموزش ترکیه طراحی کرد. بناهای وی تابع اصول معماری مدرن پیشرو بودند و تنها در سال‌های پایانی معماری وی نشانه‌هایی از معماری منطقه‌ای دیده می‌شود. پس از اگلی، حضور کوتاه برونو تائوت، معمار آلمانی تبار که مانند اگلی فارغ‌التحصیل آکادمی هنرهای باوکس^{۲۷} بود، در طراحی بناهای متعدد آموزشی و برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های معماری پررنگ بود (Bozdogan et al, 2001: 259-266). دانشکده زبان و تاریخ و جغرافیای وی (تصویر ۳)، نمونه کاملی از معماری مدرن منطقه‌گرا در ترکیه به‌شمار می‌رود (Tekeli, 2005: 21).

ارتباط میان آلمان و اتریش و ترکیه، چندین بار در تاریخ رخ داد. امپراتوری عثمانی و پروس به‌علت سیاست‌های نوسازی اولیه در قرن هجدهم به یکدیگر نزدیک بودند. «در سال ۱۹۳۳ م، مرحله جدیدی در روابط آلمان و ترکیه آغاز شد. به‌دنبال پیروزی ملی‌گرایان سوسیالیست در آلمان، تعداد زیادی از معماران و شهرسازان یهودی و سوسیالیست، از جمله برونو تائوت، مارتین واگنر^{۲۸}، ارنست روتر^{۲۹}، مارگارت شوته – لیهولزکی^{۳۰}، ویلهلم شوته^{۳۱}، فرانس هیلینگر^{۳۲} و گوستاو اولسنر^{۳۳} به ترکیه مهاجرت کردند» (Bozdogan et al, 2012: 266-259).

51). این سال‌ها مقارن تحولات نظام آموزش معماری در ترکیه به رهبری اگلی و آغاز جنبش معماری مدرن است. همچنین، طی این سال‌ها، بناهای عمومی متعددی از طریق مسابقات معماری به‌انجام رسید که در هیئت ژوری آنها معماران خارجی نقش عمده‌ای داشتند. با پایان جنگ جهانی دوم و شکست جناح‌های ملی‌گرای افراطی در آلمان در سال‌های دهه ۱۹۴۰ میلادی، زمینه لازم برای خروج معماران خارجی از ترکیه فراهم شد. این در حالی بود که بحران پس از جنگ در ترکیه و واردنشدن مصالح جدید ساختمانی، تشدیدکننده جریان نو در معماری این کشور شدند که به دومین جنبش ملی معماری مشهور شد (سهیلی، ۱۳۸۹: ۴۴؛ Batur, 2005: 33-37). معمار مشهور ترک، سادات الدم در کنار امین اونات^{۳۴}، رهبری این جنبش را در حالی به‌عهده گرفت که آغاز جنبش به نقد معماری مکعبی اگلی و هولز میسر بازمی‌گشت (Bozdogan et al, 2001: 256). تأثیرگذارترین معمار خارجی در این دوران، پل بوناتز^{۳۵}، معمار سرشناس آلمانی به‌شمار می‌رفت که به‌عنوان رئیس هیئت ژوری مسابقه‌های معماری و نیز برای برخی پروژه‌های اجرایی‌اش در تحولات معماری تأثیرگذار بود. وی که نخستین بار به‌عنوان رئیس هیئت ژوری در مسابقه طراحی مقبره آتاتورک به ترکیه آمده بود در سال ۱۹۴۳ م. سمت معمار مشاور در حکومت ترکیه را پذیرفت و در سال ۱۹۴۶ م، استاد دانشکده فنی استانبول شد. وی در مقاله‌ها و سخنرانی‌ها معماری مدرن را نقد کرد. «او ادعا کرد که هر کشوری اکنون به‌دنبال ریشه‌های فرهنگی خود می‌گردد و استفاده از مصالح ساختمانی اصیل مانند سنگ‌های طبیعی را تحسین کرد. تأثیر مستقیم معماری آلمان (از طریق وی) به‌سختی قابل موشکافی است؛ اما بوناتز، ایده‌های ملی‌گرایانه در معماری را استحکام بخشید» (Alsac, 2005: 99).

در دهه ۱۹۵۰ م. در ترکیه با پایان بحران پس از جنگ، مفهوم غرب برای ترک‌ها از اروپا به آمریکا تغییر یافت. زمینه‌ساز این پدیده، کمک‌های مالی و نظامی و مستشاری آمریکا در



تصویر ۳. دانشکده زبان و تاریخ و جغرافی (Batur, 2005: 87)

گذار و رولان دوپروال^{۳۹}، معمار مدرنیست فرانسوی و محسن فروغی، معمار ایرانی فارغ‌التحصیل از مدرسه عالی بوزار^{۴۰} فرانسه، مشغول به تحصیل شدند. «روش آموزش آتلیه‌ای که در ابتدای تأسیس رشته معماری در ایران و به پیروی از روش آموزش دانشکده هنرهای زیبای پاریس بوزار اعمال می‌شد به روش آموزش سنتی معماری نزدیک‌تر بود؛ چراکه دانشجوی در طول تحصیل، با عضویت در آتلیه، مراتب استادشاگردی را البته این بار در محیط نظری و نه در کارگاه ساختمانی طی می‌کرد» (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

حضور آندره گذار^{۴۱} فرانسوی، اولین رئیس این مجموعه آموزشی، تأثیر چشمگیری در انتخاب شیوه آموزش داشته است. پس از گذار در زمان ریاست محسن فروغی، شیوه آموزش معماری این دانشکده دنبال شد و در زمان ریاست هوشنگ سیحون که از فارغ‌التحصیلان این مدرسه بود و تحصیلات خود را در فرانسه تکمیل کرد، مطالعه و آشنایی با معماری بومی ایران از طریق سفرهای دانشجویی رایج شد. در زمان ریاست محمدامین میرفندرسکی و با حضور استادان جدید در دانشکده، سیستم آموزش آتلیه‌ای دگرگون شد و با تأسیس دومین دانشکده معماری ایران، ۲۱ سال بعد از تأسیس دانشگاه تهران در دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی)، آموزش معماری در ایران، متحول شد. در دانشکده هنرهای زیبا «دانشجویان معماری توسط اساتیدی تعلیم داده می‌شدند که خود، اکثراً در مکتب مدرن، تحصیل کرده و عمری را در آن محیط سپری کرده بودند و منبع الهام دانشجویان معماری آن دوره برای درک تحولات جهانی بودند» (ثبات ثانی، ۱۳۹۲: ۵۳). در حالی که در دانشگاه ملی که اکثر استادان آن فارغ‌التحصیل ایتالیا بودند، برخلاف سیستم آتلیه‌ای دانشکده هنرهای زیبا که دانشجویان، تنها با یک استاد کرکسیون می‌کردند، با استادان مختلف سروکار



تصویر ۴. هتل هیلتون استانبول (نگارندگان، ۱۳۹۳)

جریان جنگ سرد و با اعلام اصل ترومن بود. «پس از پایان جنگ جهانی در سال ۱۹۴۵م، برخی معماران خارجی به وطنشان بازگشتند؛ اما رخدادی مهم‌تر که بر این روند اثر گذاشت، کمپینی در صحنه معماری ترکیه بر ضد نفوذ معماران غربی بود که نتایج سخت آن با قانون ۱۹۵۴م. که اتحادیه جدیدالتأسیس معماران و مهندسان ترکی وضع کردند، نشان داده شد. از طریق این قانون، استخدام خارجیان با اهدافی غیر از آموزش و مشاوره محدود شد» (Imamoglu, 2010: 52). در این سال‌ها، تأثیرگذارترین حضور خارجی در عرصه معماری ترکیه به مدرنیسم شرکتی آمریکایی بازمی‌گشت. بنای هتل هیلتون (تصویر ۴) به طراحی S.O.M با همکاری سادات الدم، شاخص‌ترین نمونه این جریان و همچنین نمونه‌ای عالی از سیاست‌های آمریکا در جریان جنگ سرد به‌شمار می‌رود. سرمایه‌گذاری وسیع در بخش مسکن ترکیه بر اساس الگوی مدرنیسم بین‌الملل بود که با طراحی ارطغرل منتز^{۴۲}، سرپرست گروه معماران محلی و مشاوره معمار مشهور ایتالیایی، لوییجی پیچیناتو^{۴۳} در پروژه توسعه آتاکوی و در پروژه‌های بسیار دیگری ادامه یافت: (Bozdogan et al, 2012: 116; Meltem, 2012: 116).

بررسی حضور معماران خارجی در تحولات معماری ایران

حضور و تحولات انجام‌شده در دو حوزه آموزش عالی معماری و فعالیت‌های حرفه‌ای بررسی می‌شود.

حضور معماران خارجی در تحولات آموزش عالی معماری در ایران

نخستین مدرسه آموزش عالی در ایران به نام دارالفنون سه سال پس از تأسیس دارالفنون در استان بول گشایش یافت. «دارالفنون، نخستین مدرسه بزرگ غیردینی بود. در آن، طب و تشریح و مهندسی و زبان خارجه تدریس می‌شد و اکثر استادانش خارجی بودند؛ از اتریشی و فرانسوی و جز آنها» (بهنام، ۱۳۸۳: ۳۱). با روی کار آمدن شاهنشاهی پهلوی در ۱۳۰۰ ه.ش. (۱۹۲۱ م.) تا پیش از جنگ جهانی دوم که می‌توان آن را دوره «صنعتی‌شدن و اروپایی کردن آداب و رسوم» نام نهاد، دولت مرکزی، مقتدر و با سیاست کلی صنعتی‌شدن، سازمان حکومتی را غربی کرد و علم و فن غربی وارد ایران شد.

در سال‌های پایانی این دوران (۱۳۱۹ ه.ش.، ۱۹۴۰ م.) طرح تأسیس دانشکده هنرهای زیبای تهران در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. دانشجویان این مدرسه در سه آتلیه جداگانه، زیر نظر ماکسیم سیرو^{۴۸}، دستیار و همکار فرانسوی

داشته و برخلاف سیستم بوزاری، توجه خود را بیش از وجه هنری بر وجه فن معماری معطوف می‌ساختند.

حضور معماران خارجی در تحولات حرفه‌ای معماری در ایران

حضور شرکت‌ها و مهندسان خارجی یکی از رویدادهای مهم معماری دوره پهلوی به‌شمار می‌رود. آنها از طرف دولت ایران دعوت شده بودند تا در نوسازی ایران همکاری کنند؛ اما نکته‌ای که حضور این معماران خارجی را در عرصه‌های مختلف، اجتناب‌ناپذیر می‌کرد، ظهور ناگهانی خدمات و عملکردهای جدیدی بود که کاملاً وارداتی بودند و نیاز سریع و مبرمی را به بناهای جدید موجب می‌شدند.

سیاست نوسازی تهران در این دوره به گسترش و تحولات عمده در شهرسازی تهران منجر شد. «اساساً حتی نقشه شهرها در این دوره توسط اروپایی‌ها و بر مبنای تفکر سرمایه‌داری تدارک دیده شد؛ مثلاً نقشه شهرهایی چون تهران و همدان توسط مستشاران فرانسوی و آلمانی در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۶ ه.ش. (۱۹۳۷-۱۹۳۱ میلادی) تهیه و اجرا شد؛ بنابراین، شهرسازان و معماران این دوره غالباً یا خود اروپایی بودند (مارکوف^{۴۲}، گدار، سیرو، دوبرول) و یا متخصصان ایرانی دانش‌آموخته در غرب بودند (هوانسیان، گورکیان^{۴۳}، آبکار، فروغی و ...). علاوه بر این، معروف‌ترین و بزرگ‌ترین شرکت‌های پیمانکاری در زمینه شهرسازی نیز اروپایی بودند (ساسکس^{۴۴}، لیچفیلد^{۴۵} و ...). خیابان کشی‌های جدید تهران با الگوی خطوط راست که میراث قرن ۱۹ بود، مدل این کار شد» (شعبانی و کامیاب، ۱۳۹۱: ۸۸).

از میان معماران خارجی، «در ۱۳۰۷ ه.ش. (۱۹۲۸ م.) از گدار دعوت شد تا مدیریت مرکز باستان‌شناسی ایران را بر عهده گیرد. او تا ۱۳۳۲ ه.ش. (۱۹۵۳ م.) و بار دیگر از ۱۳۳۵ ه.ش. (۱۹۵۶ م.) تا ۱۳۳۲ ه.ش. (۱۹۶۰ م.) عهده‌دار این سمت بود. گدار که به‌عنوان مدیر اداره عتیقات، زیر نظر وزارت معارف و اوقاف و

صنایع مستظرفه کار می‌کرد، برای حفاری‌های باستان‌شناسی و حفظ و مرمت آثار تاریخی ایران، سیاست‌هایی را تدوین کرد. او نخستین موزه باستان‌شناسی مدرن کشور، موزه ایران باستان را طراحی کرد و خود از سوی رضاشاه به سمت اولین مدیر موزه منصوب شد» (معرفت و ایمریش، ۱۳۹۲: ۲۹). وی در طراحی موزه ایران باستان (تصویر ۵) و مقبره حافظ، تأثیرپذیری خود از معماری ایرانی را به‌خوبی نشان داد؛ برخلاف آنکه در برنامه‌ریزی آموزش معماری در ایران بر شیوه مدرن تأکید داشت. نقش سیرو، معمار و مدرس دانشکده هنرهای زیبا و نیز همکار گدار در مطالعات باستان‌شناسی در این دوران، واجد اهمیت است. وی طراح بخش عمده‌ای از دانشکده‌های دانشگاه تهران با همکاری گدار و فروغی به‌شمار می‌رفت؛ اما طراح اصلی دانشکده هنرهای زیبا (تصویر ۶) رولان مارسل دوبرول، همکار سیرو و گدار در دانشکده هنرهای زیبا بود. طرح این دانشکده برخلاف تمامی دانشکده‌های دیگر دانشگاه تهران که پیرو اصول نئوکلاسیسم خردگرا به‌شمار می‌روند، به‌طور کامل از ایده «فرم تابع عملکرد» که والتر گروپیوس^{۴۶} در طرح مدرسه باوهاس^{۴۷} اجرا کرد، پیروی می‌کند (قبادیان، ۱۳۹۲: ۲۱۵). از جمله دیگر معماران خارجی که به دعوت رضاشاه، جهت طراحی بناهای عمومی در ایران مشغول به کار شدند، می‌توان به نیکلای مارکوف، معمار گرجی تبار مقیم ایران و گابریل گورکیان، معمار اصلت‌ارمنی و متولد ترکیه و نیز ماکس اتو شونمان^{۴۸}، معمار آلمانی و طراح کارخانه‌های صنعتی اشاره کرد^{۴۹}.

خروج معماران خارجی از ایران در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم با حضور جایگزین معماران فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبا مانند هوشنگ سیحون یا معماران ایرانی فارغ‌التحصیل خارج، مانند عبدالعزیز فرمانفرمایان، محسن فروغی، وارطان هوانسیان و کریم طاهرزاده بهزاد همراه بود که اغلب، فارغ‌التحصیل مدرسه بوزار فرانسه بودند. اولین طرح جامع شهر تهران با همکاری اولین مهندسان مشاور



تصویر ۶. دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر ۵. سردر ورودی موزه ایران باستان با الهام از طاق کسری (قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۹۲)

مجموعه که بر اساس الگوی پیشنهادی معماری بین‌الملل ساخته شده است، آمده است: «واحد‌های مسکونی یکسان و یک‌شکل با سطوح خشن و صنعتی‌مانند، مشابه مجموعه مسکونی پروت ایگو^{۵۴} در آمریکا، بعدها توسط نظریه پردازان معماری پست‌مدرن غرب مورد نقد و نکوهش قرار گرفت» (قبادیان، ۱۳۹۲: ۲۵۰).

بررسی تطبیقی نقش معماران خارجی در تحولات معماری معاصر دو کشور ایران و ترکیه

چگونگی تأثیرگذاری و حضور معماران خارجی بر معماری معاصر ایران دوره پهلوی، مقارن با سال‌های تأسیس جمهوری ترکیه در سال‌های آغازین دهه ۱۹۲۰ م. تا مهم‌ترین کودتای نظامی تاریخ معاصر ترکیه در سال ۱۹۸۰ م. (۱۳۵۹ ه.ش.)، در دو دوره کلی بررسی می‌شود: دوره نخست، شامل دوران پهلوی اول و سال‌های آغازین پهلوی دوم تا کودتای ۱۳۳۲ ه.ش. در ایران و سال‌های جمهوری اول در ترکیه، ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ ه.ش. (۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ م.) است. طی این سال‌ها حضور معماران خارجی در ایران و ترکیه به صورت گسترده و همراه با اقامت آنان در این کشورها و مدیریت آموزش و حرفه معماری همراه است. بیشتر معماران خارجی فعال در ایران در این دوره، معماران فرانسوی و آلمانی تبار هستند. دلایل اصلی این حضور گسترده به شرح زیر است:

- کمبود متخصصان داخلی برای پیشبرد برنامه نوسازی دستگاه حاکم و دعوت حکومت‌ها از متخصصان خارجی برای تربیت متخصصان در نظام آموزشی و طراحی و مدیریت پروژه‌های اجرایی.
- بروز جنگ جهانی و به قدرت رسیدن حکومت‌های افراطی فاشیستی در اروپا و مهاجرت معماران و شهرسازان اروپایی به علت جنگ و فشارهای سیاسی.
- نیاز به ساخت کاربری‌های جدید در بناهای دولتی و عمومی به علت ناآشنابودن معماران داخلی.

ایران تهیه شد که عبدالعزیز فرمانفرمایان و ویکتور گروئن^{۵۵}، مشاور خارجی در سال ۱۳۴۴ ه.ش. (۱۹۶۵ م.) تأسیس کرده بودند. «برنامه اجرایی زمان طرح ۲۵ سال و تا ۱۳۷۰ ه.ش. (۱۹۹۱ م.) پیش‌بینی شده بود. نتیجه مطالعات جامع تهران در آذرماه ۱۳۴۷ ه.ش. (۱۹۶۸ م.) به تصویب رسید» (محملی ابیانه، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

مهم‌ترین اتفاقی که در سال‌های دهه پنجاه هجری شمسی به حضور دوباره معماران خارجی در ایران منجر شد، برگزاری کنگره‌های بین‌المللی معماری بود. «حضور معماران برجسته جهانی در کنگره‌های بین‌المللی معماران که ابتدا در اصفهان ۱۳۴۹ ه.ش. (۱۹۷۰ م.) و دومی در شیراز در مهرماه سال ۱۳۵۳ ه.ش. (۱۹۷۴ م.) در تخت جمشید برگزار شد و سومی که یکی از نادرترین همایش‌های معماری جهان به‌شمار می‌رفت، کنگره بین‌المللی زنان معمار جهان برای اولین بار در مهرماه ۱۳۵۵ ه.ش. (۱۹۷۶ م.) در رامسر با حضور آلیسون (اسمیتسون)^{۵۶} و پیتر اسمیتسون^{۵۷} اتفاق افتاد. دعوت از این افراد، نشان از یک نوع سردرگمی بعضی از معماران ایرانی برای پیدا کردن راه‌حلی در استفاده مجاز از ترکیب سنت و نوگرایی بود» (ثبات ثانی، ۱۳۹۲: ۵۶).

علت دیگر حضور معماران خارجی در ایران، دعوت از معماران مشهور کشورها و تأسیس شرکت‌هایشان در ایران به واسطه آشنایی معماران ایرانی تحصیل کرده در خارج با آنها بود. مهم‌ترین اثر به‌جامانده از معماران خارجی در این جریان، هتل هیلتون با طراحی راگلان اسکوایر^{۵۸} به همراه جمعی از معماران ایرانی است. این بناها به سبک‌های مدنظر معماران بنا و بدون توجه به سنت‌های معماری ایرانی طراحی شده بود. مواجهه با بحران کمبود مسکن در شهرهای بزرگ در دهه ۱۳۲۰ ه.ش. (۱۹۴۰ م.) و ۱۳۳۰ ه.ش. (۱۹۵۰ م.)، با حضور شرکت‌های عمدتاً آمریکایی در طرح‌های انبوه‌سازی مسکن به شیوه مدرنیسم بین‌الملل همراه بود. بهترین نمونه این جریان در ایران، شهرک اکباتان (تصویر ۸) تهران است. در نقد این



تصویر ۸. شهرک اکباتان تهران (قبادیان، ۱۳۹۲: ۲۵۱)



تصویر ۷. بانک ملی ایران شعبه دانشگاه تهران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

دوره دوم، شامل سال‌های اقتدارگرایانه حکومت پهلوی دوم در ایران، یعنی سال‌های پس از کودتای ۱۳۳۲ ه.ش. (۱۹۵۳ م.) و نیز دوران جمهوری دوم ترکیه، یعنی ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ ه.ش.) است. سال‌های یادشده در ایران به علت رشد بهای نفت و کمک‌های اقتصادی آمریکا و نیز گسترش برنامه‌های فرهنگی و هنری حمایت‌شده از سوی حکومت با توسعه پروژه‌های کلان و افزایش فعالیت معماران حرفه‌ای همراه است؛ در حالی که در ترکیه به دلیل بحران‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی میان سه کودتای متوالی در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م و کاهش نقش بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی، نوعی تکثر و چندصدایی در فعالیت‌های معماری دیده می‌شود. طی این سال‌ها حضور معماران خارجی به علت جایگزینی معماران آموزش‌دیده داخلی و معماران تحصیل‌کرده خارج، کم‌رنگ‌تر است. وسعت بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در این دوره به شکلی است که در نیمه دوم دهه هفتاد قرن بیستم میلادی پروژه شاخصی دیده نمی‌شود.

جدول شماره ۱ به مطالعه تطبیقی میان پروژه‌های نظیر در ایران و ترکیه می‌پردازد. در این جدول، سعی شده است روی معماران مطرح خارجی مشغول در ایران و ترکیه و نیز پروژه‌های شاخصی تطبیق صورت گیرد که به لحاظ موضوع و کارفرما و دوره زمانی در دو کشور، هم‌رتبه و نظیر باشند و از این طریق،

جدول ۱. مطالعه تطبیقی برخی پروژه‌های اجرایی معماران خارجی در ایران و ترکیه

پروژه‌های یادشده در دو کشور به لحاظ سبک معماری و پیروی از اصول معماری بومی یا بین‌المللی مقایسه شوند. همان‌طور که مشاهده می‌شود در دوره نخست، پروژه‌های دو کشور از تنوع سبکی میان گرایش‌های بومی و بین‌المللی برخوردارند؛ در حالی که در دوره دوم، پروژه‌های ارائه‌شده، پیرو معماری به سبک بین‌الملل هستند و نیز نقش پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن حائز توجه است. به دلیل بحران‌های اقتصادی و سیاسی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م. ترکیه، در این کشور، پروژه‌های محدودتری نسبت به ایران یافت می‌شود؛ به همین دلیل، پروژه‌هایی که با حضور معماران مشهور بین‌المللی در ایران اجرا شده است در ترکیه نظیر ندارد. برخی از این پروژه‌ها عبارت‌اند از: بانک ملی شعبه دانشگاه تهران به طراحی یورن اوتزن^{۵۵} ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ ه.ش. (۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ م.) به سبک معماری مدرن بین‌الملل؛ کاخ مروارید به طراحی بنیاد فرانک لوید رایت^{۵۶} ۱۳۴۵ ه.ش. (۱۹۶۶ م.) به سبک معماری آرکانیک با الهام از زیگورات و یخچال‌های سنتی؛ مجتمع مسکونی امین اصفهان به طراحی فیلیپ جانسن^{۵۷} و راج روال^{۵۸} ۱۳۵۲ ه.ش. (۱۹۷۳ م.) به سبک مدرن بین‌الملل با خصوصیات زمینه‌گرا.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۲ به مطالعه تطبیقی نقش معماران خارجی در ایران و ترکیه به تفکیک دوره‌های یادشده در دو حوزه آموزش و حرفه معماری می‌پردازد.

ترکیه		ایران			دوره
تصویر	خصوصیات معماری	معمار - سال پروژه	تصویر	خصوصیات معماری	
 <p>(نگارندگان، ۱۳۹۳)</p>	معماری نئوکلاسیک، معماری نئوعثمانی	گولیو مونگری	 <p>(قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۴۳)</p>	پلان برون‌گرا به سبک نئوکلاسیک، نمادهای معماری سنتی برای عملکرد جدید	نیکلای مارکف
		بانک کشاورزی تا ۱۹۲۶ م ۱۹۲۹ م		دیپرستان البرز تا ۱۳۰۳ ه.ش. ۱۳۰۴ ه.ش. تا ۱۹۲۱ م ۱۹۲۲ م	
 <p>(Batur, 2005: 83)</p>	معماری مدرن، معماری خردگرا	ارنست اگلی	 <p>(قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۹۲)</p>	الهام از شیوه پارتی، طاق کسری	آندره گدار
		انستیتوی دختران عصمت اینونو ۱۹۳۰ م		موزه ایران باستان تا ۱۳۱۳ ه.ش. ۱۳۱۶ ه.ش. تا ۱۹۳۴ م ۱۹۳۶ م	

دوره نخست (۱۹۲۰-۵۰ میلادی ه.ش.)

ترکیه			ایران		
تصویر	خصوصیات معماری	معمار - سال پروژه	تصویر	خصوصیات معماری	معمار - سال پروژه
 <p>(Bozdogan& Ackan,2012:74)</p>	معماری یادمان‌گرا، نئوکلاسیک خردگرا، تقارن در پلان	کلمنس هولز میسر	 <p>(قبادیان، ۱۳۹۲: ۱۷۸)</p>	ایوان ستون‌دار، تقارن در پلان، نئوکلاسیک خردگرا	ماکسیم سیرو
		مجلس بزرگ ملی تا ۱۹۳۷ م ۱۹۴۳			دانشکده پزشکی تا ۱۳۱۳ ش. ۱۳۱۹ تا ۱۹۳۴) تا ۱۹۴۰ (م.)
 <p>(Batur,2005:87)</p>	معماری مدرن یادمان‌گرا	برونو تائوت	 <p>(نگارندگان، ۱۳۹۴)</p>	نقوش برجسته ایران باستان در نما، ایوان ستون‌دار، تقارن در پلان، نئوکلاسیک خردگرا	گابریل گورکیان
		دانشکده زبان تاریخ و جغرافی م ۱۹۳۸			کاخ دادگستری تا ۱۳۱۶ ش. ۱۳۱۸ تا ۱۹۳۷) تا ۱۹۳۹ (م.)
 <p>(Holod et al, 2005: 100)</p>	معماری منطقه‌گرا	پل بوناتز	 <p>(نگارندگان، ۱۳۹۴)</p>	معماری مدرن	رولان مارسل دوبرول
		سالن اپرا، آنکارا تا ۱۹۴۶ م. ۱۹۴۸			دانشکده هنرهای زیبا تا ۱۳۱۹ ش. ۱۳۳۱ تا ۱۹۴۰) تا ۱۹۵۲ (م.)
 <p>(نگارندگان، ۱۳۹۳)</p>	معماری مدرن بین‌الملل	S.O.M	 <p>(URL:1)</p>	معماری مدرن بین‌الملل	راگلان اسکوایر
		هتل هیلتون م ۱۹۵۲			هتل هیلتون (استقلال) تا ۱۳۳۹ ش. ۱۳۴۱ تا ۱۹۶۰) تا ۱۹۶۳ (م.)
 <p>(Holod et al, ۲۰۰۵: ۱۱۷)</p>	معماری مدرن بین‌الملل، پیش‌ساخته	ارطغرل منتز و لویجی پیچیناتو	 <p>(قبادیان، ۱۳۹۲: ۲۵۱)</p>	معماری مدرن، بین‌الملل، پیش‌ساخته	جردن گروزن
		توسعه آتاکوی تا ۱۹۵۸ م. ۱۹۶۹			شهرک اکباتان ش. ۱۹۴۵ (م ۱۹۶۶)

دوره نخست (۱۹۲۰-۵۰ میلادی - ۱۳۰۰-۳۲ ه.ش.)

دوره دوم (۱۹۵۰-۷۰ میلادی - ۱۳۲۲-۵۷ ه.ش.)

(نگارندگان)



جدول ۲. مطالعه تطبیقی نقش معماران خارجی در معماری معاصر ایران و ترکیه در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۹ م. (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش.)

دوره	حوزه معماری	ایران	ترکیه
دوره نخست (۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ م.) (۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ ه.ش.)	آموزش معماری	<p>* بنیان‌گذاری آموزش معماری جدید در ایران توسط معماران فرانسوی (آندره گدار) به‌شیوه مدرسه بوزار فرانسه بر اساس شیوه معماری مدرن (۱۳۱۹ ه.ش. ۱۹۳۰ م.).</p> <p>* بی‌اهمیت‌شمردن مطالعه معماری بومی و سنتی ایران در سال‌های مدیریت هوشنگ سیحون در آموزش معماری (۱۳۴۱ ه.ش. ۱۹۶۲ م.).</p>	<p>* تحول آموزش معماری به شیوه جدید با حضور معماران آلمانی‌زبان و نقش ویژه ارنست اگلی بر اساس شیوه معماری مدرن. (آغاز به کار نظام آموزش معماری در ترکیه با حضور معماران خارجی در مدرسه سلطنتی معماری از سال ۱۸۸۲ م.).</p> <p>* آغاز توجه به معماری سنتی و بومی ترکیه از زمان مدیریت برونو تائوت (۱۹۳۶ م.) و تداوم آن تا سال‌ها بعد.</p>
دوره دوم (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۹ م.) (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ه.ش.)	حرفه معماری	<p>* حضور ویژه معماران فرانسوی در ایران.</p> <p>* توجه به معماری بومی و سنتی ایرانی در غالب شیوه نئوکلاسیک در آثار مارکوف ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش. (۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ م.).</p> <p>* توجه به معماری بومی و سنتی ایرانی در آثار آندره گدار و ماکسیم سیرو و نیز معماری ملی باستان‌گرا در آثار گابریل گورکیان ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ ه.ش. (۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ م.).</p> <p>* پیروی از اصول معماری مدرن در آثار رولاند مارسل دوبرول در دهه ۱۳۳۰ ه.ش. (۱۹۵۰ م.).</p>	<p>* حضور ویژه معماران آلمانی‌زبان در ترکیه.</p> <p>* معماری به شیوه نئوکلاسیک ترکی (نئوعثمانی) در آثار گولیو مونگری در ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۰ م.</p> <p>* پیروی از اصول معماری مدرن (مکعبی) توسط ارنست اگلی و کلمنس هولزمیسر در دهه ۱۹۳۰ م.</p> <p>* توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای و محلی معماری در آثار برونو تائوت در ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ م. و پل بوناتز در دهه ۱۹۴۰ م. در معماری مدرن منطقه‌گرا.</p>
دوره دوم (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۹ م.) (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ه.ش.)	آموزش معماری	<p>* سپردن آموزش معماری به معماران ایرانی، به‌ویژه معماران ایرانی تحصیل‌کرده خارج ۱۳۴۱ ه.ش. (۱۹۶۲ م.).</p>	<p>* حضور معماران خارجی، محدود به سخنرانی در دانشکده‌های معماری در ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ م.</p> <p>* تأسیس دانشکده فنی خاورمیانه در ۱۹۵۶ م. بر اساس الگوی آمریکایی و همکاری‌های بین‌المللی این دانشگاه با دانشگاه پنسیلوانیا.</p>
دوره دوم (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۹ م.) (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ه.ش.)	حرفه معماری	<p>* حضور شرکت‌های غربی، به‌ویژه آمریکایی در پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن و برج‌های شهری به سبک معماری بین‌الملل در دهه ۱۳۳۰ ه.ش. (۱۹۵۰ م.) و پس از آن.</p> <p>* حضور معماران مطرح بین‌المللی در همایش‌های بین‌المللی معماری با حمایت‌های دولتی و معماران داخلی ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ ه.ش. (۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ م.).</p> <p>* بی‌توجهی معماران مطرح بین‌المللی به معماری بومی و سنتی ایران و پیروی از اصول گرایش‌های بین‌المللی.</p>	<p>* حضور شرکت‌های آمریکایی در پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن به شیوه مدرنیسم بین‌الملل در دهه ۱۹۵۰ م. و پس از آن.</p> <p>* محدود شدن حضور معماران خارجی به علت بحران‌های اقتصادی و سیاسی و نیز تشکیل اتحادیه معماران به‌عنوان لایه داخلی، ضد حضور معماران خارجی (۱۹۵۴ م.) و افزونی بیکاری در پی افزایش فارغ‌التحصیلان معماری.</p>

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

چنان‌که بررسی جدول فوق نشان می‌دهد، مشابهت‌های زیادی میان نقش معماران خارجی در دو کشور ایران و ترکیه در حیطه آموزش و فعالیت حرفه‌ای در دوره آغازین مشاهده می‌شود. شیوه جدید آموزش معماری در هر دو کشور بر اساس الگوی معماری مدرن در این دوره بنیان‌گذاری شده است؛ با این تفاوت که در ایران، معماران فرانسوی و در ترکیه، معماران آلمانی نقش داشته‌اند. در حوزه فعالیت‌های حرفه‌ای در هر دو کشور، معماران خارجی در پروژه‌هایی با مدیریت و برنامه‌ریزی دولتی و در برنامه‌نوسازی به شیوه غربی از طریق استخدام در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های نوظهور، حضور داشته‌اند.

در دوره نخست، گرایش‌های ملی‌گرایانه متأثر از جریان‌های سیاسی و اجتماعی در آثار معماران، در قالب گرایش‌های نئوعثمانی در کشور ترکیه و نیز گرایش‌های ملی باستان‌گرا و نئوکلاسیک خردگرا در ایران مشاهده می‌شود. به‌علت حضور آندره گدار و ماکسیم سیرو و گرایش‌های باستان‌شناسانه ایشان، تأثیرپذیری از معماری

بومی و سنتی در ایران نسبت به ترکیه محسوس تر است؛ در حالی که در سال‌های پایانی دوره نخست، گرایش به معماری منطقه‌گرا در آثار معماران خارجی فعال در ترکیه گسترش یافت.

در دوره دوم و در حیطه آموزش معماری، به سبب حضور فارغ‌التحصیلان بومی، نقش معماران خارجی نسبت به دوره قبل کاهش یافته است؛ از این رو، حضور معماران ایرانی فارغ‌التحصیل ایتالیا در حوزه آموزش معماری در این دوره گسترش یافته است. در کشور ترکیه، نقش تأسیس دانشکده فنی خاورمیانه بر اساس الگوی آمریکایی در گسترش معماری به سبک مدرن بین‌الملل شایان توجه است. در حوزه حرفه معماری در دوره دوم، نقش معماران خارجی در گسترش معماری به سبک مدرن بین‌الملل و مدرنیسم شرکتی آمریکایی متأثر از سیاست‌های مشابه آمریکا در دوره جنگ سرد در دو کشور مشابه است. در این دوران، برگزاری همایش‌های بین‌المللی در کنار سفارش‌های دولتی و خصوصی، سبب حضور معماران مطرح بین‌المللی در ایران شد. این حضور با اقامت معماران همراه نیست و تنوع افراد و گرایش‌های معماری درخور توجه است. همچنین، توجه اندکی به معماری سنتی و بومی در آثار این معماران دیده می‌شود. شایان توجه است که معماران بومی، چون حسین امانت، نادر اردلان، علی سردار افخمی، کامران دیبا و دیگران، پیشرو جریانی نوگرایانه در معماری این دوره به شمار می‌رفتند که پیوند عمیقی با گذشته معماری ایران از خود بروز می‌داد؛ اما در کشور ترکیه به علت بحران‌های سیاسی و اقتصادی یادشده و نیز تأسیس اتحادیه‌های معماران بومی، کاهش محسوسی در تأثیر نقش معماران خارجی مشاهده می‌شود. با توجه به نقش مشابه و نظیر برخی معماران خارجی و یا تحصیل کرده خارج، نظیر هوشنگ سیحون در ایران و سدات الدم در ترکیه، در تحولات معماری معاصر دو کشور، بررسی تطبیقی چگونگی تأثیرگذاری هر یک از این معماران، می‌تواند موضوع بدیعی برای پژوهش‌های آتی به شمار رود.

پی‌نوشت

1. Bilge Imam oglu
2. Tu Delft
3. Sibel Bozdogan
4. Muhendishane.i Berri.i Humayun
5. Sanayi-I Nefise-I Sahane Mektebi
6. Hendese-I Molkiye
7. Alexander Vallaury
8. Jachmund
9. kemalettin Bey
10. Vedat Bey
11. Giolio Mongeri
12. Ernest Egli
13. Clemens Holzmeister
14. Bruno Taot
15. John Dewey
16. Contextualist
17. Regionalist
18. Sedad Eldem
19. Bruno Zevi
20. Rolf Gutbord
21. Positivism



22. Arif Hikmat
23. Ahmet Kemal
24. Fatih Ulku
25. Hermann Jansen
26. Ebenezer Howard
27. Beaux Arts
28. Martin Wagner
29. Ernst Reuter
30. Margarete Schutte-Lihotzky
31. Wilhelm Schutte
32. Franz Hillinger
33. Gustav Oelsner
34. Emin Onat
35. Paul Bonatz
36. Ertugrul Mentese
37. Luigi Piccinato
38. Maxime Siroux
39. Roland Marcelle dubruel
40. Buzzard
41. Andre Gudard
42. Nikolai Markov
43. Gabriel Geverkian
44. Sussex
45. Litchfield
46. Walter Gropius
47. Bauhaus
48. Max Otto Schunemann

۴۹. برگرفته از مجموعه مقالات مجله معماری و فرهنگ شماره ۵۲ با موضوع «معماران و طراحان خارجی دوره پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴)»

50. Victor Gruen
51. Alison smithson
52. Peter Smithson
53. Raglan Squire
54. Pruitt Igoe
55. Jorn Utzon
56. Frank Lloyd Wright Foundation
57. Philip Johnson
58. Raj Rewal

منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی و دلگشایی، بهروز. (۱۳۹۰). مسئله مدرنیزاسیون در ایران؛ مقایسه تطبیقی تاریخی ایران و ترکیه در دوران حکومت رضاشاه و آتاتورک (۱۹۴۱-۱۹۲۱). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*. ۲ (۶-۵)، ۱۴۰-۱۲۱.
- بهنام، جمشید. (۱۳۸۶). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. چاپ سوم، تهران: فروزان روز.
- ثبات ثانی، ناصر. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*. ۶ (۱۱)، ۴۹-۶۰.



- سهیلی، جمال‌الدین و دیبا، داراب. (۱۳۸۹). تأثیر نظام‌های حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران و ترکیه. *باغ نظر*. ۷ (۱۴)، ۲۷-۴۴.
- سهیلی، جمال‌الدین و ماجدی، حمید. (۱۳۹۰). بروز مدرنیسم در معماری ترکیه و تقابل با جنبش‌های ملی معماری. *هویت شهر*. ۵ (۹)، ۴۹-۵۸.
- شعبانی، امامعلی و کامیاب، جمال. (۱۳۹۱). سیاست شهری در تاریخ معاصر ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰) با تأکید بر فضاهای عمومی شهر تهران. *باغ نظر*. ۹ (۲۳)، ۸۳-۹۲.
- علم، محمدرضا؛ دشتی، فرزانه و میرزایی، بیژن. (۱۳۹۳). برنامه‌تجدد و نوسازی در عصر رضاشاه پهلوی. *تحقیقات تاریخ اجتماعی*. ۴ (۱)، ۶۱-۸۶.
- عمویی، حامد. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در ایران و ترکیه: مطالعه تطبیقی دوره رضاشاه و آتاتورک. *علوم سیاسی*. ۸ (۲۰)، ۱۹۳-۲۲۴.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. تهران: علم معمار.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- مختاری طالقانی، اسکندر. (۱۳۹۰). *میراث معماری مدرن ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محملی ابیانه، حمیدرضا. (۱۳۹۰). ارزیابی مفهوم منظر در طرح‌های شهری؛ مقایسه تطبیقی سیر تکوین طرح جامع تهران با تجارب جهانی. *باغ نظر*. ۸ (۱۷)، ۹۵-۱۰۴.
- معرفت، مینا و ایمریش، اوگران. (۱۳۹۲). میراث آندره گدار، باستان‌شناس و معمار. ترجمه نسیم قیاسی، *معماری و فرهنگ*. ۱۵ (۵۲)، ۲۹-۳۰.

- Alsac, U. (2005). The second period of turkish national architecture (2th ed.). **Modern turkish Architecture**. Holod, R. Evin, A (Eds.). Pennsylvania: University of Pennsylvania Press. 94-104.
- Bozdogan, S. & Akcan, E. (2012). **Turkey: Modern architecture in history**. London: Reaktion Books Ltd.
- Bozdogan, S. & Kasaba, R. (2001). **Modernism and nation building: Turkish architectural culture in the early republic**. Washington: University of washington Press.
- Batur, A. (2005). To be modern: Search for a republican architecture, (2th ed.). **Modern turkish Architecture**. Holod, R. Evin, A (Eds.). Pennsylvania: University of Pennsylvania Press. 68-93.
- Holod, R. & Evin, A. (2005). **Modern turkish Architecture**. (2th ed.). Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Imamoglu, B. (2010). **Architectural Production in State offices: An Inquiry into the professionalization of Architecture in Early Republican Turkey**. Ph.D thesis. Netherland: Technical University of Delft.
- Keskinok, H.C. (2010). Urban planning experience of Turkey in the 1930s. **METU JFA**. 27(2), 173-188.
- Meltem, O. G. (2012). Domestic Arrangements: The Maid's Room in the Ataköy Apartment Blocks, Istanbul, Turkey: **Journal of Architectural Education**. 66(1), 115-126.
- Pamir, H. (1983). Architectural education in Turkey in its social context: Underlying Concepts and Changes. **Mimar**. 10 (Architecture in Development), 131-151.
- Tarman, B. (2011). Development of Social Studies Curriculum in Turkey and John Dewey's Effect on the Modernization of Turkish Education. **International journal of progressive education**. 7(1), 45-61.
- Tekeli, I. (2005). The social context of the development of architecture in Turkey (2th ed.). **Modern**

- turkish Architecture.** Holod, R.Evin,A(Eds.).Pennsylvania:University of Pennsylvania Press. 9–33.
- Yavuz, Y. & Ozkan, S. (2005). Finding a national Idiom: The First national style (2th ed.). **Modern turkish Architecture.** Holod, R.Evin,A(Eds.).Pennsylvania:University of Pennsylvania Press. 51–67.
 - Yucel, A. (2005). Pluralism takes command: the turkish architectural scene today (2th ed.).**Modern turkish Architecture.** Holod, R.Evin,A(Eds.). Pennsylvania:University of Pennsylvania Press, 119–152.
 - URL1: <http://caoi.ir/index.php/fa/component/k2/itemlist/tag/royal%20tehran%20hilton%20hotel> (access date: 2016/ 11).





Received: 2016/10/15

Accepted: 2017/05/14

Comparative Study of the Role of Foreign Architects in Iran's and Turkey's Contemporary Architecture during 1920-79-PB (130057-SH)

Naser hassanpour* Hossein Soltanzadeh**

Kaveh Bazrafkan***

Abstract

In early twentieth century, political leaders of Turkey and Iran who noticed the backwardness of their country comparing to Western nations sought the solution in fast modernization through a western method. Development of construction methods, emerging functions and vast projects of construction in this era paved the way for the participation of Western experts and consultants of these countries. Presence of these architectures in Pahlavi era in Iran, contemporary with the years of the first Turkish republic until the 1980 Turkish coup d'état, caused modern period architecture in these countries to take distance from their historical background. This research attempts to explore the role of foreign architects and urban planners in the development of Iran's and Turkey's architecture, and the way they influence Iran's and Turkey's modern architecture through conducting a comparative study. Identifying the role of the architects in architectural developments and the way they are influenced by local and traditional architecture in Iran and Turkey have been questioned. Therefore, the research was conducted in two stages; first, through conducting a documentary study into modern architecture of Iran and Turkey, and then through performing a comparison between Iran and Turkey. The results of the research divided the role of foreign architects and city developers in the modern architectural developments of Iran and Turkey from 1920s to 1980s into two overall epochs, dealing with the comparison of the role of the architects in the two overall periods. According to the results of this study, the role of foreign architects and urbanists, whether in architectural education or in professional activities, was the same, while in the second period such similarity was not observed as it was influenced by domestic factors. Also the foreign architects in both countries have been influenced by the countries' vernacular architecture.

Key words: Comparative Study, Contemporary Architecture Evolution, Foreign Architects, Iran, Turkey

* Assistance Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Iran.

** Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran.

*** Assistance Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran.